



هادی ابوی

به مناسبت

بزرگداشت از صدمین سال تولد

برات علی تاج

در این روزها با تدویر محافل و انتشار مقالات از صدمین سال وفات براتعلی تاج یکی از شخصیت های سیاسی و علمی افغانستان تجلیل بعمل میآید .

تاج، بیشتر به خاطر اشتغال درسیاست و جانب داری از جبهه ترقی بر ضد ارتجاع و از دیدگاه انسانی بیشتر از لحاظ تهذیب و سجایای نیکویش شهرت داشته و مورد تقدیر قرار میگیرد.

و اما من به حیث یک شاگرد دبستان حقوق او را به سان یکی از پیشگامان علم حقوق در افغانستان مورد احترام قرار میدهم.

در واقع تاج در میان اولین نسل حقوقدانان کشور است که همراه با قدیر تره کی - اکبر پامیر و ابراهیم عالمشاهی تدریس حقوق را از گروه همکاران ترک بریاست منجمند اغلو پروفیسور معروف حقوق و مشاور عالی رتبه دولت ترکیه که جهت سرو سامان دادن به امور تدریس حقوق و تشکیل نظام قضایی جدید با افغانستان همکاری داشت بدست گرفته بودند .

در این میان تاج به تدریس و تحقیق در یکی از ناشناخته ترین رشته های حقوقی آن روز در کشور ما ، که همانا حقوق تجارت باشد پرداخت. این در حالی بود که افغانستان مسله " اختلاط حقوقی " میان حقوق اسلامی و حقوق مدنی را تجربه میکرد. حقوق دانان راه های نامکشوفی را میپیمودند تا اصولنامه ها را طوری ترتیب دهند تا از یک سو باعث تجدید نظام قضایی شود و از سوی دیگر دین سالارانی را که در نظام قضایی صاحب صدایی بودند تحریک نکنند.

تاج به این مأمول دست یافت و تا آنجا که من میدانم او بود که اولین اصولنامه محاکمات تجارتي را به معنای درست و کامل و قابل قبول آن ترتیب و به تطبیق آن مأمور شده بود.

تاج میخواست تجارت در افغانستان "عصری، قانونی و حقوقی" شود. به همین منظور او علاوه از اشتغال به امور تقنین - تجربه پی را بکار بست تا تجارت عنعنوی و حقوق اقتصادی در کشور چهره تازه تری بخود بگیرد. از آن جمله ، او عده پی را که میتوانستند مقدار سرمایه پی گرد هم آورند به تشکیل یک تجارت کوپراتیفی تشویق و آن را رهنمایی کرد. محصول این تلاش شرکتی بود که از فعالیت آن تهیدستان مالدار هزاره جات صاحب لقمه نانی شده و قحطی یا کمبود روغن در شهر ها نیز مهار میشد.

البته این شرکت که میتوانست کمکی برای تهیدستان هزاره جات باشد - منافع محتکران روغن هزاره جات را محدود میکرد. به همین دلیل تاجران روغن هزاره جات که این شرکت را مانع منافع بیشتر خود دیده بودند در صدد سقوط آن برآمده بودند .

شخصی که برای پیشبرد امور روزانه این شرکت تعیین شده بود با همدستی محتکران هزاره جات دست به کلاه برداری زده و میخواست شرکت را از اهداف اصلی آن منحرف سازد.

تاج جانب اصول را گرفته و شرکت را به سرنوشت آن رها کرد. با وجود ناکامی این تجربه ، تشکیل آن شرکت به حیث یکی از تجارب مهم فعالیت های کوپراتیفی در کشور شناخته شده است.

خاطرات از تاج و شرکت هزاره جات به آن دوران از زنده گی من بر میگردد که نه از شرکت و نه از حقوق چیزی میدانستم و شاگرد مکتب روی بیش نبودم. پدرم با تاج دوست و با هم دوستان مشترکی داشتند. در آن روزها شرکت در باغبانکوجه کابل و

در عقب درمسال "پیر رتنات" قرار داشت. و بر علاوه آنکه شرکت بود. بته جایی هم برای گروهی از دوستان همدل به شمار میرفت که پدرم یکی از آنها بود. من بارها او را تا شرکت همراهی کرده بودم. یکی از اتاق های شرکت جایی برای نشست دوستان همدل بود که در آن غیر از روغن در باره هر مسئله پی صحبت میشد. مباحثات عموماً پس از وقت کار شرکت هم و بعضاً تا نیمه شب ها ادامه میافت.

و من که گاهی در جریان مباحثات در آنجا میبودم بآنکه از این مباحثات چیز زیادی نمی فهمیدم اما شور و هیجانی را که درین مباحثات وجود داشت نا دیده گرفته نمیتوانستم. بعد ها پدرم معانی چنین بحث ها را به طوری که قابل هضم باشد برایم توضیح میکرد. من بسیاری از شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور را اولین بار در آنجا دیده بودم که میتوانم از جناب فاروق اعتمادی دکتر ابوبکر، علی احمد نعیمی، مدیر محسن جان و علی احمد خروش یاد آور شوم.

و اما وقتی به اهمیت و مقام تاج و به مباحث آن شرکت پی بردم که به تحصیل حقوق آغاز کرده و تاریخ نهضت آزادیخواهی و ضد استبدادی کشور را مرور کرده بودم.

شاید برای بسیاری چیز ها دیر شده بود اما خوشبخت بودم تاج را دیده بودم و چیز ها پی درباره شرکت، در باره مباحث در آنجا و در باره شخصیت هایی که آنها را اولین بار در آن شرکت دیده بودم، آموخته بودم. همین انگیزه است که توانستم چند سطر ناقابل و اما به یک مناسبت بسیار قابل بروی کاغذ آورم و در بزرگداشت از مقام آن استاد سهمی بگیرم.

کوشش تدویر کننده گان مراسم یاد بود را میستایم.

یاد استاد تاج جاویدان باد!